



توافق را تضعیف نکنید

«جو بایدن» رئیس جمهور آمریکا با امداد شنبه از رژیم صهیونیستی و دیگر بازیگران منطقه‌ای خواست از اتخاذ گام‌هایی که ممکن است توافق آتش‌بس در غزه و تبادل اسرا که دولت اوسعی در نپایه کردن آن را دارد، خودداری کنند. اشاره ضمنی بایدن به تهدید محور مقاومت در پاسخ به شرارت‌های رژیم صهیونیستی در ترو شهید «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، «فواد شکر» فرمانده میدانی حزب الله و حمله به یمن است. با این حال، «غازی حمد» عضو دفتر سیاسی حماس در غزه گفت، پاسخ ایران و حزب الله لبنان به ترورهای اخیر حق آن‌هاست و مسیری متفاوت با مذاکرات آتش‌بس دارد. مذاکرات آتش‌بس و تبادل اسرا روزهای پنجشنبه و جمعه در دوحه برگزار شد. بایدن پس از پایان مذاکرات دوحه، در بیانیه‌ای نوشت: «من از تیم مذاکره کننده خود در دوحه به روزرسانی‌هایی در دریافت کردم و از آن‌ها خواست تا یک پیشنهاد جامع برای بر کردن شکاف‌ها بمنظور رسیدن به توافق نهایی را ارائه کنند». او بیان اینکه با سران قطر و مصر برای «مرور پیشرفت قابل ملاحظه در طول دو روز گذشته» را برتری کرده است، نوشته تیم مذاکره کننده آمریکا به «کار فنی خود برای حصول توافق ادامه می‌دهند».



توافق با دیکته تحمیلی؟

یکی از رهبران جنبش حماس فلسطین در واکنش به مذاکرات دوحه اعلام کرد توافق یا مذاکره واقعی در کار نیست بلکه آمریکا مواضع رژیم اشغالگر را به رسمیت شناخته و همسو با آن می‌خواهد دیکته‌های خود را تحمیل کند. «سامی ابوهری» عضو حماس گفت، رژیم صهیونیستی همچنان مانع از هر تلاشی برای دستیابی به توافق آتش‌بس در غزه می‌شود. ابوهری روز شنبه به تلویزیون العریی گفت، واشنگتن کاملاً موضع رژیم صهیونیستی را بر پذیرفته است و تل آویو از مفاد قبلی در مذاکرات آتش‌بس عقب‌نشینی کرده است. او افزود: ما با توافق یا مذاکرات واقعی روبه‌رو نیستیم، بلکه با تحمیل دیکته‌های آمریکا روبه‌رو هستیم. واشنگتن در تلاش است تا از هرگونه تحرک در منطقه علیه اسرائیل جلوگیری کند. عضو حماس تأکید کرد: صحبت درباره نزدیک شدن به توافق آتش‌بس یک توهم است. آنچه از میانجی‌ها شنیدیم حاکی از عقب‌نشینی‌های بزرگ از توافقی دوم ژوئیه است. او گفت: ما هنوز برای هیچ نشست دیگری دعوت نشده‌ایم و آنچه در مورد آن صحبت می‌شود برداشته‌های فریبنده است.



توافق را بپذیر

با تداوم جنایات تل آویو و طفره رفتن از توقف حملات، «نارندرا مودی» نخست‌وزیر هند در تماس با «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای اجرای آتش‌بس در نوار غزه فشار آورد. مودی در گفت‌وگوی تلفنی با نتانیاهو بر کاهش تنش در غرب آسیا تأکید کرد. نخست‌وزیر هند گفت: «ما درباره وضعیت کنونی غرب آسیا گفت‌وگو کردیم و بر لزوم تنش‌زدایی تأکید شد. ما درخواست خود را برای آتش‌بس فوری، آزادی همه گروه‌ها و ادامه کمک‌های بشردوستانه تکرار کردیم، تازه‌ترین دور مذاکرات آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و گروه مقاومت فلسطین، حماس، با تسهیل قطر، آمریکا و مصر در پایتخت قطر برگزار شد. بر اساس بیانیه مشترک مصر، قطر و آمریکا در روز جمعه، مقامات قبل از پایان هفته آینده مجدداً در قاهره دیدار خواهند کرد تا به توافقی برای پایان دادن به جنگ در غزه دست یابند.

بایدن باید عقاید و رفتارهای «اول آمریکا» را تغییر می‌داد

در مورد کنترل تسلیحات نیز، دولت کوتاهی کرده است. در ژانویه ۲۰۲۲، رهبران پنج قدرت هسته‌ای اصلی تأیید کردند که «در جنگ هسته‌ای نمی‌توان برنده شد و هرگز نباید جنگید»؛ با تکرار بیانیه موفقیت آمیزی که از مذاکرات میخانیل گورباچف، رهبر شوروی و رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده در دهه ۱۹۸۰ به دست آمد. با این حال، جنگ بی‌دلیل پوتین با تهدیدات مکرر استفاده هسته‌ای مشخص شده است. در سال ۲۰۲۳، وی پایبندی روسیه به معاهده جدید استراتژت را به حالت تعلیق درآورد و این اقدام را نه به عدم پایبندی ایالات متحده، بلکه به حمایت واشنگتن از اوکراین مرتبط کرد. از همین رهگذر، چین هم قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ تعداد تسلیحات هسته‌ای‌اش را دو برابر کند و به ۱۰۰۰ برساند. این وضعیت جدید که با تعمیق مشارکت چین و روسیه، ایجاد شده، چشم‌انداز هرگونه پیشرفت در زمینه کنترل تسلیحات یا حتی حفظ وضعیت موجود را در نهایت، بعید ساخته است. متأسفانه، دولت بایدن هیچ تلاش مهمی برای معکوس کردن این روند انجام نداد و حتی به چشم‌اندازی تاریک کمک کرده است. این کشور تمایل خود را برای مذاکره در خصوص تداوم استراتژت جدید حفظ کرده و چند گام کوچک در جهت آغاز مذاکرات کنترل تسلیحات با یکن برداشته است. اما دولت همچنین به دنبال نوسازی بسیار پرهزینه هر سه شاخه نیروهای هسته‌ای خود، از جمله موشک‌های مستقر در زمین است. از آنجایی که این موشک‌ها در سیلوهای قرار گرفته‌اند که مکان‌هایشان برای دشمنان کاملاً شناخته شده است، آنها سلاح‌های «ضربه اول» هستند که باید به سرعت در گریز پرنتاب شوند یا در اثر حمله دشمن از دست بروند. بنابراین آنها هم آسیب‌پذیر و هم بی‌ثبات کننده هستند. امنیت ایالات متحده و چشم‌انداز اجتناب از یک مسابقه تسلیحاتی جدید با افزایش عمر تعداد کمتری از موشک‌های Minuteman III موجود به جای خرید یک نیروی موشکی جدید مستقر در زمین با هزینه بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار، بهتر خواهد بود. بایدن به‌عنوان معاون رئیس جمهور، باراک اوباما، برای تغییری عمده در سیاست ایالات متحده مبارزه کرد: اعلامیه‌ای مبنی بر اینکه بازآوردگی تنها (و نه «اصلی») هدف سلاح‌های هسته‌ای است. این تغییر به ظاهر جزئی معنای اصلی را پنهان می‌کند: اینکه سلاح‌های هسته‌ای هیچ فایده‌ای در جنگ ندارند. چنین تغییری پیامدهای عمیقی برای طراحی نیروهای هسته‌ای و کنترل تسلیحات بین‌المللی خواهد داشت. رئیس جمهور باراک اوباما ترجیح داد این تغییر را انجام ندهد و به عنوان رئیس جمهور، بایدن هم همین کار را کرد. یک فرصت از دست رفته بود. با توجه به واقعه‌های جنگ در اوکراین و توسعه هسته‌ای چین، وی مسلماً هیچ آزادی عمل سیاسی غیر از این اقدام، نداشت.

برخی از مخالفان دولت بایدن تا حدی در نتیجه دوزنمی ضعیف کنترل تسلیحات، خواستار گسترش زرادخانه هسته‌ای ایالات متحده و حتی بازگشت به آزمایش‌های هسته‌ای هستند. پس از انجام بیش از ۱۰۰۰ آزمایش، ایالات متحده چیز چندانی برای یادگیری بیشتر ندارد. اما چین که کمتر از ۵۰ آزمایش انجام داده و در حال رعایت تعلیق آزمایش فعلی است می‌تواند مزیت قابل توجهی داشته باشد اگر ایالات متحده بخواهد باز آزمایش را مشروعیت بخشد. دیری نپایید که سایر دولت‌ها، هسته‌ای و غیرهسته‌ای، همین کار را انجام دادند؛ یک جهش عظیم به عقب به دهه ۱۹۵۰.

احیای آمریکا

تصمیم اسرائیل برای مدیریت طولانی مدت غزه و ادامه الحاق کرانه باختری، امکان راه‌حل دودولتی را از بین می‌برد. اسرائیل را از نظر نظامی، مالی و آبرویی تضعیف می‌کند و بی‌عدالتی تاریخی برای مردم فلسطین است. تا زمانی که ایالات متحده ارتباط ویژه‌ای با اسرائیل برقرار می‌کند، نمی‌تواند مانند دولت بایدن این جراحی را نادیده بگیرد. عزم بایدن برای پایان دادن به طولانی‌ترین جنگ واشنگتن یک دستاورد بزرگ بود. اکنون برای اولین بار در یک ربع قرن هیچ نیروی آمریکایی در نبرد پایدار وجود ندارد. سیاست‌های وی نشان‌دهنده این است که ایالات متحده همچنان به منافع جهانی خود ادامه می‌دهد، اما جاه‌طلبی‌هایش باید بر اساس ارزیابی واقع‌بینانه از منابع کنونی، تقسیم‌بندی‌های حزبی و اراده سیاسی‌اش باشد. در جهانی که با چالش‌های جهانی وجودی مواجه است، بایدن ارزش مناسبی برای اتحادها و شرکات‌های سست‌تر قائل شد و آنها را جزه اصلی قدرت آمریکا دانست و ارزش راه‌حل‌های چندملیتی را دید. او مجدداً تأکید کرد که دموکراسی‌ها خوشایند سیاست خارجی هستند، اما به نظر می‌رسد آموخته است که از آنجایی که بسیاری از کشورها در جایی بین دموکراسی و استبداد قرار دارند، جنبش‌های کمی از سیاست خارجی ایالات متحده که به عنوان رقابت بین این دو چارچوب‌بندی شده است، سود می‌برند. جهان آنقدر در نوسان است که نمی‌توان پیش‌بینی کرد دوره کوتاه ریاست جمهوری بایدن چگونه در جریان تاریخ قرار می‌گیرد. آیا او دهنندگان در ایالات متحده و اروپا به پوپولیسم، ناسیونالیسم خودسرانه یا حتی انزوآگرایی روی خواهند آورد؟ چین در اقیانوس آرام و فراتر از آن چه قصدی دارد؟ آیا می‌توان جنگ در اوکراین را بدون ایجاد روالی که به تهاجم آشکار پادشاه می‌دهد پایان داد؟ آیا قدرت‌های بزرگ بر فراز پرتگاه دومین مسابقه تسلیحات هسته‌ای به دنبال یکدیگر می‌آیند؟ و البته، آیا بایدن جانشینی خواهد داشت که جهان‌بینی‌اش را داشته باشد یا ترامپی از وی پیروی کند که نقطه مقابل بیشتر کارهایی که انجام داده، باشد؟ بدون توجه به پاسخ‌ها و به‌رغم نشانه‌های دوقطبی‌سازی سیاسی تضعیف‌کننده در داخل، بایدن تغییرات عمیقی در سیاست خارجی ایجاد کرده است: نه برای تطبیق با افول آمریکا، بلکه برای انعکاس قدرت نهادینه این کشور.

منبع: foreign affairs



بن‌هزمون

ضایاتی که با سیاست اسرائیل به همراه دارد

غفلت هسته‌ای



جنبه منفی کارنامه بایدن حاوی چند مورد دیگر نیز هست. بایدن حمایت‌گرایی تجاری ترامپ را گسترش داده و تعرفه‌هایی که ترامپ بر واردات از چین اعمال کرده و ادامه و در برخی موارد افزایش داده است. برخلاف ترامپ، بایدن به شدت تعرفه‌ها را عمدتاً بر محصولات با فناوری پیشرفته و انرژی پاک متمرکز کرده و کارایی آنها را با انواع ممنوعیت‌های صادراتی، تحریم‌ها و یارانه‌ها برای تقویت تولید داخلی و کاهش سرعت توسعه بخش فناوری چین افزایش داده است. همچنین برای هماهنگ کردن چنین اقداماتی با متحدان اروپایی و دیگران تلاش کرد. با این حال، تعرفه‌ها سیاست اقتصادی بدی هستند: آنها قهقربایی و تورم‌زا هستند و از آنجایی که آنها مالیات‌های پنهانی هستند که توسط خارجی‌ها می‌پردازد می‌شوند، به مقابله فرا می‌خوانند. آنها همچنین به رقابت‌جویی خطرناک داخلی دعوت می‌کنند: پس از اینکه بایدن تعرفه‌های خودروهای برقی چینی را چهار برابر کرد و به ۱۰۰ درصد رساند، ترامپ خواستار افزایش تعرفه‌ها به ۲۰۰ درصد شد. با دو دولت متوالی ایالات متحده که تقریباً در مورد همه چیز با یک ابزار اقتصادی موافق نیستند، تجارت جهانی ممکن است به نقطه عطفی رسیده باشد: دوران جهانی شدن و تجارت آزاد شاید به طور قطعی به پایان رسیده باشد. اگر دیگران از واشنگتن پیروی کنند، نتیجه محتمل فقیرتر کردن همه ایالت‌ها خواهد بود؛ همانطور که جهان در زمان حاکمیت حمایت‌گرایی در دهه ۱۹۳۰ آموخت. تلاش مستمر برای پیشبرد کنترل تسلیحات هسته‌ای و عدم اشاعه هسته‌ای که توجه به حمایت صریح وی از هر دو هدف در دوران کاری‌اش در سنا و معاونت ریاست جمهوری، به‌طور قابل توجهی مغفول مانده است. سردرگمی در اولین روزهای دولت به طور جدی و شاید مرگبار به چشم‌انداز حل و فصل مهم‌ترین مسئله‌اشاعه تسلیحات هسته‌ای آسیب زد: در مورد توافق هسته‌ای ایران که به‌طور رسمی به‌عنوان برنامه جامع اقدام مشترک شناخته می‌شود چه باید کرد. در سال ۲۰۱۸، ترامپ ایالات متحده را از توافقی که به ساخت به دست آمده بود، خارج کرد: توافقی که ایران به آن پایبند بود؛ تصمیمی که بایدن و تیمش آن را به عنوان یک گل به خودی فاجعه‌بار دیدند. اما در تلاش برای اثبات اینکه آنها به اندازه منتقدان جمهوری خواه خودنسبت به ایران سرسخت هستند، منصوبین بایدن در جلسات تأیید سنا آنقدر مواضع ضد ایرانی اتخاذ کردند که در تهران و واشنگتن این تصور را ایجاد کردند که واقعاً بر جام اعتقاد ندارند. زمانی که این موضوع گشایش یافت، فرصت محدود متقاعد کردن تهران مبنی بر اینکه دولت همچنان خواهان احیای توافق است بسته شده بود. بایدن همچنین ملاحظاتی عدم اشاعه را در مذاکره بر سر توافقنامه آکواس کنار گذاشت. این توافق با انتقال سوخت بسیار غنی شده (و در نتیجه گرید تسلیحات) برای تأمین سوخت زیر دریایی‌های استرالیا، کشوری بدون سلاح هسته‌ای، سابقه‌ای مخرب ایجاد کرد که سایر کشورها می‌توانند با استفاده از برنامه‌های راکتورهای دریایی به عنوان پوشش‌هایی برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای که نقض قوانین معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است، دنبال کنند.

بایدن با حمایت شخصی بی‌سابقه‌ای به این حمله پاسخ داد که نشان‌دهنده تمایل طولانی مدت او به اسرائیل بود. اما با آشکار شدن پاسخ نظامی اسرائیل، به نظر می‌رسد که قادر به دیدن آنچه در زمین اتفاق می‌افتد نیست. واشنگتن تمام وزن خود را روی تلاش برای میانجیگری یک آتش‌بس دائمی گذاشته است، نتیجه‌ای که نه رهبری اسرائیل و نه رهبری حماس معتقدند به نفع آن نیست. بایدن سرسختانه تمایلی به استفاده از اهرمی که ایالات متحده در اختیار دارد برای وادار کردن اسرائیل به کاهش سطح سرسام‌آور مرگ و رنج غیرنظامیان در غزه، رسیدگی به فاجعه انسانی در غزه و ایجاد برنامه‌ای واقع‌بینانه برای بلندمدت، نداشته است.

جنبه منفی کارنامه بایدن حاوی چند مورد دیگر نیز هست.

بایدن به‌عنوان رهبر حزب دموکرات، به راحتی می‌توانست این سفر را ممنوع کند: سفری که متعاقب سفر دیگری بود که قانون نانوشتنه «چین واحد» را در مورد بازدیدهای رسمی زیر پا گذاشت. مأموریت پولوسی به‌طور قابل پیش‌بینی، موج بی‌سابقه‌ای از (کنش) تلاقی جنبه‌های نظامی و سیاسی توسط چین و افزایش تنش‌های بین‌المللی را برانگیخت. واشنگتن فقط می‌تواند اهداف یکن را حدس بزند. افزایش توان نظامی چین ممکن است تهدیدی مستقیم برای تایوان یا ایالات متحده باشد یا شاید حزب کمونیست چین به آنچه که به‌عنوان تجاوز آمریکا تلقی می‌کند پاسخ می‌دهد یا صرفاً اقداماتی را انجام می‌دهد که هر قدرت بزرگی که به‌تازگی وارد شده احساس می‌کند خشم است. به همین ترتیب، یکن نمی‌تواند بداند که آیا واشنگتن عمداً سیاست «چین واحد» را کنار گذاشته است. شاید بایدن تأیید را تشویق می‌کند تا استقلال خود را اعلام کند و در صورت انجام این کار، از آن حمایت نظامی خواهد کرد. تنها چیزی که هر دو طرف به‌طور قطع می‌دانند این است که ماریپچ فزاینده‌ای از کنش و واکنش در رابطه با تایوان در جریان است و هیچ طرفی، اقدامات لازم را برای قطع آن انجام نمی‌دهد. بایدن مصمم شد که از اولویت‌های آسیا و نقاط دیگر به دلیل درگیری‌های همیشگی در خاورمیانه منحرف نشود. او سیاست دولت ترامپ را به ارث برد که به نظر می‌رسد موفقیت قابل توجهی داشته است. اسرائیل از طریق به اصطلاح توافقنامه ابراهیم، روابط خود را با بحرین، مراکش، سودان و امارات متحده عربی عادی کرد. این توافقنامه مظهر این دیدگاه بود که اگر به کشورهای عربی انگیزه‌های مناسب داده شود، حتی بدون پرداخت به سرنوشت فلسطینیان، امکان مذاکره با اسرائیل برای توافقنامه‌های صلح وجود دارد. اما از آنجایی که دولت به دنبال افزودن مهم‌ترین کشور منطقه، عربستان سعودی، به توافق بود، دولت نتانیاهو، فلسطینی‌ها را از کرانه باختری بیشتر و بیشتر بیرون می‌کرد تا راه را برای شهرک‌سازی‌های اسرائیلی باز کند. این گام‌ها روی هم، پلی برای بسیاری از فلسطینی‌ها بود و گروه شبه‌نظامی حماس از احساس ناامیدی و خشم آنها برای توجیه حمله تروریستی هولناکی که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ - بدترین روز در تاریخ اسرائیل - انجام داد، استفاده کرد. اظهارات ناسف‌برانگیز جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده، چند روز قبل از حمله، مبنی بر اینکه منطقه «امروز سناکت‌تر از دو دهه گذشته است»، ترکیبی از بی‌توجهی و خیال‌بافی دولت را به تصویر می‌کشد.